

## ***Developing Bin Salman's Strategic Model for Shiites and the Security-Defense Challenges of the Resistance***

*Abdoreza Alishahi*

*Ebrahim Barzegar*

*Mohammad Bagher Khorram Shad*

*Abbas Ali Rahbar*

### **ABSTRACT**

The deepening challenge between Saudi Arabia and the Shiite Resistance Front can be considered one of the most important challenges in the Middle East during its post-ISIS era. This issue has manifested itself with the emergence of Muhammad ibn al-Salman and his covert and overt hostility towards the Shiites, especially in cases such as the Yemeni war, conspiracies against the governments of Iraq and Syria, and the escalation of the Cold War against the Islamic Republic of Iran. Has found the Middle East openly at the forefront of security crises. In this article, the authors devote their efforts to designing a strategic model for Muhammad Bin Salman during the defeat of Donald Trump (as one of the most powerful and important supporters of Bin Salman) against the Shiites. The research method is based on exploratory mix (qualitative-quantitative). The statistical population of the present research is based on interviews conducted with professors, elites and researchers in the field of political science, regional studies, international relations and geopolitics. Assessment of the model: A researcher-made questionnaire with relative cluster sampling method was distributed among 60 samples. The validity of the questionnaire was confirmed by face and content method and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha method. Data were analyzed by exploratory and confirmatory factor analysis using SPSS and AMOS software. The results of the qualitative section indicate that Bin Salman's strategic model towards the Shiites, especially in the period when Donald Trump lost the second presidential election of the United States, has the following 16 dimensions: Causal conditions (1. Security, 2. Intensification of Espionage Actions, 3. Intensification of Proxy War), Underlying conditions (4. Emphasis on Pan-Arabism, 5. Attempt to form an alliance with Israel, 6. Attempt to form an Arab NATO), Interventional conditions (7. Development of arms deals, 8. Shiismophobia, 9. Extensive psychological warfare), Strategic (10. Improving relations with Qatar, 11. Isolation of the Islamic Republic of Iran, 12. Obtaining Oman's consent to join the Saudis, 13. Attempting to influence Again in Iraq) and the consequences (14. intensification of militarism in the Persian Gulf 15. intensification of insecurity in the Middle East and 16. intensification of Wahhabism-Shiism confrontations). The results of the quantitative section showed that all dimensions of the research paradigm model were confirmed.

**KeyWords:** *Saudi Arabia, Strategic model, Mohammad Bin Salman, Shiite ResistanceFront.*

## تحلیل رویکرد راهبردی بن‌سلمان در قبال شیعیان و چالش‌های امنیتی - دفاعی جبهه مقاومت

عبدالرضا عالیشاهی<sup>۱</sup>

ابراهیم برزگر<sup>۲</sup>

محمدباقر خرمشاد<sup>۳</sup>

عباسعلی رهبر<sup>۴</sup>

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۱۳

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

### چکیده

تعمیق چالش میان عربستان سعودی و جبهه مقاومت شیعیان را می‌توان از مهم‌ترین چالش‌های موجود خاورمیانه در دوران پس‌ا داعش قلمداد نمود. این مسئله با ظهور محمدبن‌سلمان و خصوصیت نهان و عیان وی در قبال شیعیان به‌ویژه در مواردی همچون جنگ یمن، توطئه علیه دولت‌های عراق و سوریه و تشدید جنگ سرد علیه جمهوری اسلامی ایران نمود یافته و خاورمیانه را علناً به کانون نخست بحران‌های امنیتی مبدل نموده است. در این مقاله، نویسندگان تلاش خود را صرف طراحی مدل راهبردی محمدبن‌سلمان در دوران شکست دونالد ترامپ (به‌مثابه یکی از قدرتمندترین و مهم‌ترین حامی بن‌سلمان) در قبال شیعیان نموده‌اند. روش تحقیق مبتنی بر آمیخته اکتشافی (کیفی - کمی) است. جامعه آماری مقاله حاضر مبتنی بر مصاحبه با اساتید، نخبگان و پژوهشگران حوزه علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای، روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک بوده است که با استفاده از روش گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری با ۲۰ خبره، مصاحبه عمیق انجام و در بخش کمی، برای سنجش مدل، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای نسبی بین ۶۰ نفر از نمونه‌ها توزیع شد. روایی پرسشنامه با روش صوری و محتوایی و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی با نرم‌افزارهای SPSS و AMOS تحلیل شد. نتایج بخش کیفی حاکی از آن بوده که مدل راهبردی بن‌سلمان در قبال شیعیان به‌ویژه در دورانی که دونالد ترامپ در انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری آمریکا با شکست مواجه شد، دارای ۱۶ بعد به شرح ذیل می‌باشد: شرایط علی (۱). تشدید تروریسم، ۲. تشدید فعالیت‌های جاسوسی، ۳. تشدید جنگ نیابتی؛ شرایط زمینه‌ای (۴). تأکید بر پان‌عربیسم، ۵. تلاش برای ائتلاف با رژیم صهیونیستی، ۶. تلاش برای تشکیل ناتوی عربی؛ شرایط مداخله‌ای (۷). توسعه قراردادهای تسلیحاتی، ۸. شیعه‌هراسی، ۹. جنگ روانی وسیع؛ راهبردی (۱۰). بهبود روابط با قطر، ۱۱. تلاش برای انزوای ایران، ۱۲. جلب رضایت عمان برای پیوستن به سعودی‌ها، ۱۳. تلاش برای نفوذ مجدد در عراق و پیامد (۱۴). تشدید میلناریزم در خلیج فارس، ۱۵. تشدید ناامنی‌ها در غرب آسیا و ۱۶. تشدید تقابل‌گرایی‌های وهابیسیم-شیعیسیم است. نتایج بخش کمی نشان داد که تمامی ابعاد مدل پارادایمی پژوهش، تأیید شدند.

### کلید واژه‌ها

عربستان سعودی؛ مدل راهبردی؛ محمدبن‌سلمان؛ جبهه مقاومت شیعیان.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

Abdolrezaalishahi@atu.ac.ir

Barzegar.2010@yahoo.com

MB.khorramshad@gmail.com

A.Rahbar@atu.ac.ir

۲. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

۳. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

## مقدمه

اقدام ملک‌سلیمان، پادشاه عربستان سعودی در انتصاب پسرش، محمد در منصب ولایتعهدی در آوریل ۲۰۱۵ نه تنها شالوده‌شکنی مهمی در روند انتقال قدرت در این کشور بوده است (مسعودنیا، فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۵: ۱۴۷)، بلکه سیاست‌های عمدتاً مبتنی بر محافظه‌کاری نظام عربستان سعودی در یک شیب صعودی تند به سمت وسوی وقوع برخی رویدادهای مهم در غرب آسیا سوق یافت. بن‌سلیمان در گام نخست، از تمامی ابزارهای موجود برای تحکیم قدرت خویش بهره برد. وی در ادامه با ایجاد دو شورای سیاسی-اقتصادی و نیز تمسک به اقتصاد و توسعه و با بازساماندهی قوانین حاکم بر آرامکو و مدیریت سیاست نفتی پادشاهی، نظام سعودی را از الیگارشی سنتی به اقتدارگرایی فردی منتقل کرد و تمامی ابزارهای سنتی موازنه و نظارت را در عمل خنثی کرد. در این راستا، مبارزه با مراکز قدرت یکی از اولویت‌های محمدبن‌سلیمان بوده است (اسدی، ۱۳۹۹؛ همچنین؛ امیری مقدم و دیگران، ۱۳۹۸). دو مرکز اصلی قدرت در پادشاهی از هنگام تأسیس دولت سوم، خاندان سعودی و نیز نهاد دینی بوده است. بن‌سلیمان از طریق آمیزه‌ای از سرکوب و تطمیع، این دو نهاد سنتی را هدف گرفت (احمدیان، ۱۳۹۹: ۲۲). بن‌سلیمان در ادامه به طرح و اجرای طیف وسیعی از اصلاحات درونی در نظام عربستان سعودی مبادرت نمود. اقدامات و اصلاحات وسیعی همچون احیای حقوق بانوان سعودی (حقوق شهروندی)، چالش عمیق با بسیاری از شاهزادگان سعودی، گسست عمیق بن‌سلیمان از وهابیسیم سنتی این کشور، طرح سند توسعه ۲۰۳۰ (اختیاری امیری و دهرویه، ۱۳۹۷: ۲۳۵) و ... نشانگر سیاست‌های بن‌سلیمان در راستای تحقق یک نظام حداقل شبه‌توسعه‌یافته مطابق الگوهای غربی در عربستان بوده است (هوپ و شک، ۲۰۲۰: ۳۳).

مسئله مهم در این میان، سیاست‌های مبتنی بر افراط و تندروری‌های بن‌سلیمان چه در عرصه‌های داخلی و چه در ابعاد خارجی می‌باشد. افراط و تندروری‌هایی که بعضاً اعتراضات و حتی هشدارهای متحدین راهبردی عربستان سعودی، یعنی امریکا را نیز همراه داشته است (بهرامی‌مقدم، ۱۳۹۷: ۲۷۶). در بعد خارجی، رادیکالیسم را می‌توان یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین رویکردهای بن‌سلیمان دانست. تعمیق تنش‌ها میان سعودی‌ها و جمهوری اسلامی ایران، گسست قطر از

مرجعیت عربستان سعودی میان کشورهای عرب خلیج فارس، جنگ دامنه‌دار یمن (دوست‌محمدی و رجبی، ۱۳۹۷: ۹۵۳)، شکست تغییر رژیم<sup>۱</sup> در عراق و سوریه، همگی نشانگر سیاست‌های مبتنی بر افراط و تندی‌های بن‌سلمان در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است. مسئله مهم دیگر، بررسی روابط گسترده اقتصادی، سیاسی و امنیتی عربستان سعودی با غرب به‌ویژه امریکاست (حاجی‌زاده و حسنیو، ۱۳۹۹: ۱۱۴-۱۱۵). مسئله‌ای که نه تنها بسترساز حضور فعال امریکا در منطقه شده، بلکه زنگ خطر را برای جبهه مقاومت شیعیان به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به‌صدا درآورده و در ادامه عامل تشدیدساز رقابت بین تهران و ریاض در قبال نفوذ در تعدادی از کشورهای متحدشان در منطقه م شده است (آدمی و بهادرخانی، ۱۳۹۷: ۴؛ هوبارد<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰: ۱۲۳).

اهمیت این موضوع را نیز می‌توان از دو بعد کلان مورد بررسی و مذاقه قرار داد. نخست، بسط و تشدید تنش‌های بن‌سلمان و جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ائتلاف قدرتمند سعودی‌ها و امریکا به‌ویژه دونالد ترامپ در انزوا، تهدید و تحریم جمهوری اسلامی ایران در پساداعش (بیرداسلی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۱۹). واقعیت این است که با ظهور گروهک تروریستی داعش و سقوط شهرهای مهمی از عراق و سوریه، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر حمایت‌های لجستیکی از متحدین خود یعنی دولت‌های اسد در سوریه و حیدرآبادی در عراق، دستاوردهای گروهک تروریستی را نه تنها با مشکلات عدیده‌ای مواجه نمود، بلکه این مسئله زمینه‌های ائتلاف قدرتمندتر شیعیان در منطقه را فراهم نمود. شکل‌گیری شبه‌نظامیان حشدالشعبی در عراق، توسعه روزافزون قدرت موشکی و نظامی حزب‌الله لبنان، ساختار بندی نوین نظامیان شیعه در افغانستان و ائتلاف وسیع با انصارالله یمن. مسئله‌ای که همگرایی شیعیان منطقه را حداقل در صد سال گذشته به بیشترین میزان خود رساند (فروزان، عالیشاهی و مسعودنیا، ۱۳۹۹: ۵۱). دوم؛ سیاست‌های بن‌سلمان در قبال جبهه شیعیان به‌ویژه جمهوری اسلامی پس از شکست دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا. این مسئله نیز زمانی ملموس‌تر می‌شود که جو بایدن، رئیس‌جمهوری دموکرات امریکا، تلویحاً به تهدید مستقیم سعودی‌ها به‌ویژه در مسائلی همچون یمن، ترور قاشجقی و برخی دیگر از سیاست‌های تنش‌زا اقدام نمود.

---

1. Regime Change  
2. Hubbard  
3. Beardsley

صرف نظر از اینکه محمدبن سلمان، ولیعهد جوان سعودی‌ها را شخصیتی استبدادمحور یا جاه طلب تلقی نمائیم یا خیر باید به تحلیلی عمیق، مستدل و فارغ از هرگونه جهت‌گیری‌های ارزشی در رابطه با سیاست‌های وی در قبال شیعیان منطقه مبادرت نمود. به همین سبب، تلاش نویسندگان در این پژوهش حول ارائه پاسخی مستدل و متقن به این سؤال است که: مدل راهبردی محمدبن سلمان در قبال شیعیان منطقه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران پس از کناره‌گیری دونالد ترامپ از قدرت مبتنی بر چه مؤلفه‌هایی خواهد بود؟ و در ادامه این مسئله امنیت منطقه را با چه چالش‌هایی مواجه خواهد کرد؟

در خصوص پژوهش‌های پیشین باید خاطر نشان کرد طیف وسیعی از تحقیقات داخلی و خارجی در خصوص روابط و سیاست‌های عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران و شیعیان منطقه وجود دارد. به‌عنوان مثال شهریاری در پژوهشی (۱۳۹۶) معتقد است عرصه تقابل جویی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در ابعاد امنیتی و سیاسی و ژئوپلیتیکی غرب آسیا از زمان سقوط صدام علناً به ضرر سعودی‌ها منتهی شده است. خروج نیروهای امریکایی، شکل‌گیری نیروهای شبه‌نظامی شیعه، نفوذ نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، سقوط حکومت‌های سنی مذهب در بیداری اسلامی و ائتلاف قدرتمند جمهوری اسلامی ایران با حوثی‌های یمن برخی از مهم‌ترین عواملی است که سعودی‌ها تهدید جمهوری اسلامی ایران را بیش‌ازپیش درک کرده‌اند. بیات و اسلامی (۱۳۹۷) در پژوهش خود دلیل اصلی تقابل میان دو کشور را مسائل عینی و ناشی از عوامل ژئوپلیتیک و منافع منطقه‌ای دانسته و عوامل غیرمادی همچون هویت و ایدئولوژی را تنها تشدیدکننده این تقابل ذکر کرده‌اند. جاودانی مقدم و حریرفروش (۱۳۹۷) در تحقیقی معتقدند که مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر تغییر رویکرد محافظه‌کارانه به تهاجمی در سیاست خارجی عربستان در قبال نفوذ جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: تغییر نسل‌نخبگان حاکم، افول روابط امریکا و عربستان در دوره اوباما، تضعیف هژمونی امریکا و تغییر موازنه قوا در غرب آسیا پس از بهار عربی و تقویت قدرت ایران و محور مقاومت در منطقه. فروزان و عالی‌شاهی (۱۳۹۸) در پژوهشی معتقدند عمده دلایل واپس‌گرایی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران را می‌توان ذیل عوامل نرم و سخت قرار داد. عوامل سخت شامل توسعه قراردادهای سنگین نظامی و تسلیحاتی و میلیتاریزه‌کردن غرب آسیا تلاش برای گسترش تروریسم در جغرافیای

سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نقش‌آفرینی اثرگذار ریاض در بحران سوریه، مواضع عمل‌گرایانه سعودی‌ها در بحران عراق، تجاوز نظامی سعودی‌ها علیه یمن و جنبش انصارالله و مواضع ریاض در قبال مسئله فلسطین و سرکوب شیعیان عربستان است. عوامل نرم نیز شامل بسط روابط امنیتی با رژیم صهیونیستی، مواضع خصمانه سعودی‌ها در قبال مذاکرات هسته‌ای ایران (برجام) و ایجاد شکاف در جبهه مقاومت شیعیان با تمرکز بر عراق است. غلامی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی معتقدند چالش‌های عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران به سبب گسترش تشیع و تقویت نفوذ ایران در خلیج فارس و در نتیجه در کل غرب آسیاست. به عبارت دیگر، تقابل‌های ایران و عربستان در غرب آسیا بیشتر تحت تأثیر هویت شیعی و انقلابی و هویت سنی و وهابی دو کشور قرار دارد. پیشگاهی فرد و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهش خود معتقدند که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تعمیق چالش‌ها و تنش‌ها میان دو کشور مسائلی شامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، پایان جنگ تحمیلی، حادثه ۱۱ سپتامبر، بیداری اسلامی، ژئواکونومیک و منابع انرژی، ژئوپلیتیک شیعه، دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای، رویکرد امنیتی دو کشور، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی مثل روی کار آمدن محمد بن سلمان در عربستان و دونالد ترامپ در آمریکا و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در روابط دو کشور است. حسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی معتقد است روابط ایران و عربستان را جنگ ایران و عراق، حمله صدام به کویت در ۱۹۹۱ میلادی، حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ میلادی، جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله لبنان مورد گسست و واگرایی قرار داده است. اختیاری امیری (۱۳۹۴) در پژوهشی معتقد است تقابلات سعودی‌ها با جمهوری اسلامی ایران ماهیتی ضدشیعی و ایرانی-انقلابی داشته و تعارض هویتی عربستان و ایران و رقابت‌های این دو کشور در این قالب، در حال حاضر منجر به «هویتی شدن رقابت‌های ژئوپلیتیکی» شده و متعاقباً نیز این طیف از رقابت‌ها را در غرب آسیا تشدید کرده است.

لویزا خیمنز سریولی<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی معتقد است ریشه چالش‌های عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در دوران پسابهار عربی به‌صورتی کاملاً نیابتی در کشورهای یمن و بحرین نمود یافته است. بحرینی‌ها در ائتلافی همگرا با سعودی‌ها عناد خود را با ایران نشان داده و عکس چنین وضعیتی در روابط یمن و عربستان سعودی دیده می‌شود که در جنگی تمام‌عیار علیه

1. Cerioli

یکدیگر به سر می‌برند. دیلیپ هیرو<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در تحقیق خود معتقد است که مادامی‌که نیازهای اقتصادی و نفتی امریکا از عربستان سعودی تأمین نگردد، خصومت نهان و عیان دو کشور عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهد داشت. به عبارت دیگر، منافع اقتصادی بی‌شمار امریکایی‌ها در منطقه خلیج فارس، این کشور را مجاب ساخته است که روابط دو کشور اسلامی در خلیج فارس همواره با تنش و تهدید و چالش مواجه باشد. سیمون مابون<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه‌گیری دست یافت که مادامی‌که خطر شبه‌نظامیان شیعه در منطقه همچون حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، انصار الله یمن و ... برای سعودی‌ها ادامه‌دار باشد، بسط روابط امنیتی و نظامی میان امریکا و عربستان سعودی نیز ادامه‌دار خواهد بود و این مسئله خاورمیانه را به مثابه انبار باروتی خواهد نمود که هر لحظه در آستانه انفجار قرار دارد. الیه پاده<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی به این نتیجه‌گیری دست یافت که یکی از سیاست‌های بن‌سلمان در تشدید چالش‌ها با شیعیان منطقه بسط روابط امنیتی و نظامی با رژیم صهیونیستی بوده است. چنین رویکردی به‌زعم بن‌سلمان نه تنها امنیت سعودی‌ها را بهبود می‌بخشد، بلکه نیاز محض به حضور امریکا در منطقه را کاسته و دامنه تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران را نیز تعمیق می‌بخشد.

نوآوری مقاله کنونی را می‌توان از دو بعد اصلی مورد مذاقه قرار داد.

نخست؛ رویکرد و سیاست‌های بن‌سلمان در قبال جبهه شیعیان در دوران پساترامپ؛

دوم؛ مهم‌ترین رویکردهای امنیتی - سیاسی بن‌سلمان در قبال شیعیان (بررسی مسئله کاهش یا شدت تنش‌ها) در دوران پساترامپ.

## مواد و روش‌ها

روش پژوهش ترکیبی، و طرح پژوهش نیز از نوع طرح پژوهش، آمیخته اکتشافی (کیفی - کمی) است.

جامعه آماری پژوهش، در بخش کیفی شامل: ۱. خبرگان دانشگاهی (اساتید، نخبگان و پژوهشگران حوزه علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای، روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک) و ۲. برخی از

---

1. Hiro  
2. Mabon  
3. Podeh

تئورسین‌های امنیتی - نظامی می‌باشد. به‌منظور نمونه‌گیری در بخش کیفی، طیفی از آگاهان کلیدی در زمینه «علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای» انتخاب شدند که از روش نمونه‌گیری گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری، استفاده شد. در این بخش، ۴۰ نفر انتخاب شدند.

جامعه آماری پژوهش، در بخش کمی شامل ۸ دانشگاه و ۱۸ مرکز تحقیقاتی و به تعداد ۱۵۰ نفر بود. روش نمونه‌گیری پژوهش باتوجه‌به جامعه آماری موردنظر، به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای نسبی چندمرحله‌ای با فرمول کوکران و به تعداد ۶۰ نفر بوده است. پخش پرسشنامه به‌صورت تصادفی در خوشه و به نسبت جمعیت آن خوشه بود.

باتوجه‌به اینکه روش پژوهش، در این ترکیبی بوده، طی دو مرحله و به شرح ذیل انجام شد: الف) بخش کیفی: این بخش از پژوهش برای شناسایی مؤلفه‌های مدل راهبردی بن سلمان درقبال شیعیان، با انجام مصاحبه عمیق از خبرگان و به‌کارگیری فن گرنند تئوری<sup>۱</sup> در محیط نرم‌افزار مکس.کیو.دی.ای<sup>۲</sup>. انجام گرفت که مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی روی مصاحبه‌های عمیق انجام‌گرفته از خبرگان، انجام شد و با انجام تحلیل کیفی در نرم‌افزار مکس.کیو.دی.ای، مدل راهبردی بن سلمان شناسایی شده و به‌صورت مدل پارادایمی ارائه شد.

ب) بخش کمی: برای آزمودن و کمی‌سازی مدل راهبردی بن سلمان شناسایی شده، نیاز بوده که در یک جامعه آماری، مدل پارادایمی، مورد آزمون قرار بگیرد. با نظرسنجی از میان اساتید، محققان و نخبگان حوزه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای و ژئوپلیتیک و برخی از نخبگان نظامی با پخش پرسشنامه بین آنها، اطلاعات موردنیاز جمع‌آوری شد. آنگاه به‌کارگیری معادلات ساختاری (SEM) در محیط نرم‌افزار AMOS، داده‌ها تجزیه و تحلیل شد تا ابعاد مدل راهبردی بن سلمان درقبال شیعیان منطقه شناسایی شده و مورد آزمون قرار بگیرند.

---

1. Grounded Theory  
2. MAXqda2018



## یافته‌های پژوهش

## یافته‌های بخش کیفی

در بخش کیفی پژوهش، محور اصلی سؤالات پژوهش مربوط به شناسایی و کشف عوامل متأثر در خصوص ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به سیاست و یا راهبرد بن سلمان در قبال شیعیان به‌عنوان مفهوم اصلی بود. برای نیل به این موضوع، در مرحله اول، مقوله‌های اصلی و مؤلفه‌های فرعی براساس کدگذاری باز و محوری داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی با خبرگان کلیدی و انجام پالایش کدهای مفهومی ارائه می‌شود. براین اساس برای انجام کدگذاری باز و محوری در مرحله اول، داده‌ها در سطح جمله و عبارت برای هریک از مصاحبه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و کدهای مفهومی از رونوشت مصاحبه‌ها استخراج شدند. در مرحله بعدی با انجام پالایش و عمل کاهش، این مؤلفه‌ها در قالب مقوله‌های فرعی سازماندهی و با بررسی مستمر نام‌گذاری شدند. به‌منظور اطمینان از سازماندهی مناسب هریک از مفاهیم و مقولات، مجدداً رونوشت مصاحبه‌ها واریسی شد و با مرور این مقوله‌ها به‌منظور رسیدن به اشباع منطقی برای مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی صورت گرفت. کدگذاری باز و محوری، زمانی متوقف شد که یک طبقه‌بندی معنادار پس از چندین بررسی درباره رونوشت مصاحبه‌ها حاصل شد. به‌طور کلی از تحلیل داده‌های کیفی پژوهش در مرحله کدگذاری ۳۲۹، کد مفهومی اولیه حاصل شد.

یافته‌های بخش کیفی در قالب یافته‌های حاصل از نتایج کدگذاری با رویکرد تحلیل و مفاهیم از داده‌هاست. ابتدایی‌ترین کار در این مرحله کدگذاری باز است. براین اساس مفاهیم مشترک از واحدهای ضبط احصا و کدهای مشترک شمارش شد. نتایج کدگذاری باز و شماره کد مصاحبه‌شونده به هریک از عوامل از نظر خبرگان، مورد بررسی قرار گرفت. جدول شماره (۱) ابعاد و شاخص‌های (کدگذاری باز) را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ابعاد و شاخص‌های مدل

ابعاد (کدگذاری باز)	شاخص (کدگذاری محوری)
تلاش گسترده برای قوام مجدد گروه‌های تروریستی و بنیادگرایی در منطقه	امنیتی
تلاش برای حضور رژیم صهیونیستی در خلیج فارس	
افزایش اقدامات تروریستی در مرزهای جمهوری اسلامی	

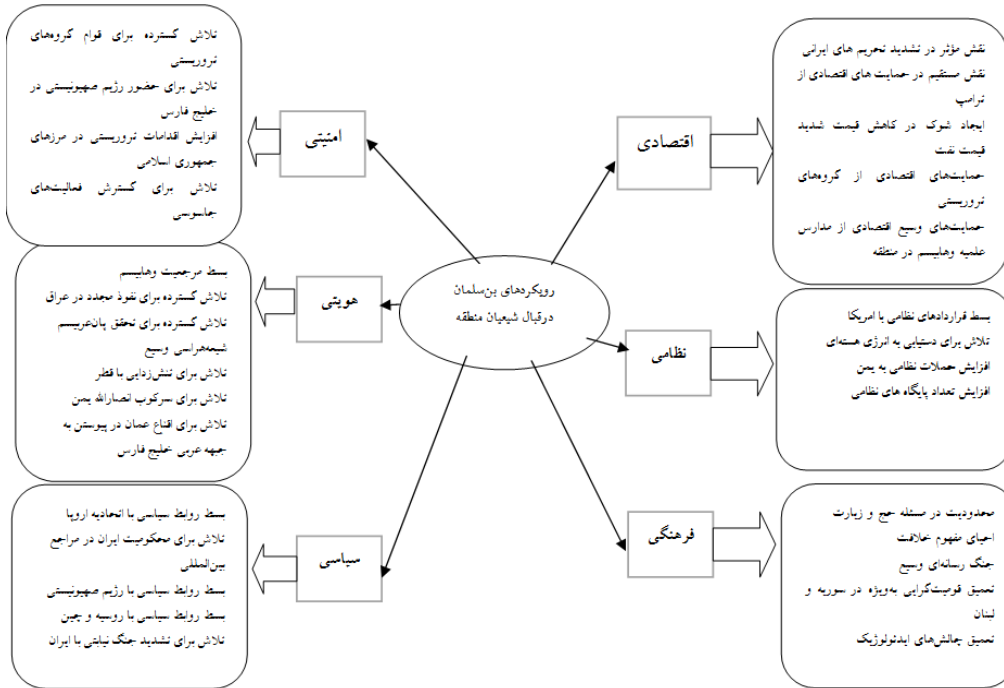
شاخص (کدگذاری محوری)	ابعاد (کدگذاری باز)
امنیتی	تلاش برای گسترش فعالیت‌های جاسوسی
	افزایش عملیات‌های تروریستی در عراق و سوریه
	منع حضور تئوریسین‌های نظامی ایران به‌ویژه در یمن
هویت‌ی	بسط مرجعیت وهابیسلم در منطقه
	تلاش گسترده برای توسعه نفوذ مجدد در عراق
	تلاش گسترده برای تحقق پان عربیسم
	شیعه‌هراسی وسیع
	تلاش برای تنش‌زدایی با قطر
سیاسی	تلاش برای سرکوب انصارالله یمن
	تلاش برای اقناع عمان در پیوستن به جبهه عربی خلیج فارس
	بسط روابط سیاسی با اتحادیه اروپا
	تلاش برای محکومیت جمهوری اسلامی ایران در مراجع بین‌المللی
	بسط روابط سیاسی با رژیم صهیونیستی
اقتصادی	بسط روابط سیاسی با چین و روسیه
	تلاش برای تشدید جنگ نیابتی با ایران
	نقش مؤثر در تشدید تحریم‌های ایرانی
	نقش مستقیم در حمایت‌های اقتصادی از ترامپ
	ایجاد شوک در کاهش قیمت شدید قیمت نفت
نظامی	حمایت‌های اقتصادی وسیع از گروه‌های تروریستی همچون داعش، طالبان، القاعده و..
	حمایت‌های وسیع اقتصادی از مدارس علمیه وهابیسلم در کشورهای افغانستان، پاکستان و حتی مرزهای ایران
	تلاش برای تحقق ناتوی عربی - عبری
فرهنگی	بسط قراردادهای سنگین نظامی با آمریکا و دول متحد
	تلاش برای دستیابی به انرژی هسته‌ای
	افزایش حملات نظامی به یمن
	افزایش تعداد پایگاه‌های نظامی
	محدودیت وسیع برای شیعیان در مسئله حج و زیارت
فرهنگی	تلاش وسیع برای بازخوانی مفهوم خلافت
	جنگ رسانه‌ای و روانی وسیع
	تلاش برای تعمیق قومیت‌گرایی به‌ویژه در سوریه و لبنان
	تعمیق چالش‌های ایدئولوژیک

در مرحله سوم و نهایی، مرحله کدگذاری انتخابی صورت می‌پذیرد. اصولاً در مرحله سوم یا مرحله کدگذاری انتخابی، فرایند کدگذاری تا مرحله‌ای ادامه دارد که از آن پس اطلاعات شما در آن دسته اصلی اضافه نمی‌شود، سپس کدگذاری متوقف می‌شود. این مرحله اشباع نام دارد. هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر برحسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. شکل‌دهی طبقات اصلی نظریه

طبقات اصلی	مقولات
متغیرهای علی	تشدید تروریسم، تشدید فعالیت‌های جاسوسی، تشدید جنگ نیابتی
متغیرهای زمینه‌ساز	تلاش برای ائتلاف با رژیم صهیونیستی، تلاش برای تشکیل ناتوی عربی و تأکید بر پان‌عربیسم
متغیرهای مداخله‌ای	جنگ روانی وسیع، شیعه‌هراسی، توسعه قراردادهای تسلیحاتی
متغیرهای راهبردی	تلاش برای انزوای ایران، بهبود روابط با قطر، جلب رضایت عمان برای پیوستن به سعودی‌ها و تلاش برای نفوذ مجدد در عراق

مدل پارادایمی حاصل از تحلیل کیفی در شکل ۱ نمایش داده شده است:



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش در محیط نرم‌افزار مکس کیودا

منبع: نویسندگان مقاله

### یافته‌های بخش کمی

#### آمار توصیفی

در بررسی توصیفی آزمودنی‌های تحقیق، ۸۸ نفر مرد (۸۸ درصد) و ۱۲ نفر زن (۱۲ درصد) و ۴۸ نفر استاد دانشگاه (استادیار به بالا) (۴۸ درصد) و ۵۲ نفر محقق، پژوهشگر و دانشجوی مقطع دکتری (۵۲ درصد) بوده‌اند.

#### آمار استنباطی

در این مرحله ابتدا روایی صوری پرسشنامه حاصل از مرحله کیفی، طی نظرسنجی از چندین خبره و انجام اصلاحات مورد نظر آنها تأیید شد و براساس محاسبه CVI و CVR برای هریک از گویه‌ها، روایی محتوایی پرسشنامه، مورد تأیید یک گروه ۲۰ نفره متشکل از خبرگان دانشگاهی و

پژوهشگاهی قرار گرفت، به طوری که محدوده CVR و CVI برای هر یک از گویه‌ها بین ۰/۸ تا ۱/۰ به دست آمد. برای سنجش مدل، پرسشنامه حاصل از مرحله کیفی بعد از تأیید پایایی، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای نسبی در بین ۶۰ تن از نمونه‌ها توزیع و داده‌ها با روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی با نرم‌افزارهای SPSS و AMOS تحلیل شد.

سؤال ویژه اول: مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های مدل راهبردی محمدبن سلمان در قبال شیعیان منطقه، کدامند؟

برای تشخیص این مسئله که تعداد داده‌های مورد نظر (اندازه نمونه‌ها و رابطه بین متغیرها) برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟ از شاخص آزمون تناسب کایزر - مایر ۱ و آزمون بارتلت<sup>۲</sup> استفاده شد. آزمون تناسب کایزر - مایر شاخصی از کفایت نمونه‌گیری است که کوچک بودن هبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند.

جدول ۲. نتایج شاخص KMO و آزمون بارتلت برای سازه پژوهش

عدد آزمون تناسب کایزر مایر و آزمون بارتلت		سازه
۰/۸۵۳	<b>KMO</b>	شرایط علی
۱۸۷۸/۲۷۲	<b>Bartlett</b>	
۱۲۰	<b>Df</b>	
۰/۰۰۰۹	<b>P-Value</b>	
۰/۸۶۱	<b>KMO</b>	شرایط زمینه‌ای
۲۰۱۷/۳۶۴	<b>Bartlett</b>	
۱۲۰	<b>Df</b>	
۰/۰۰۰۹	<b>P-Value</b>	
۰/۷۸۲	<b>KMO</b>	شرایط مداخله‌ای
۱۳۱۴/۱۹۸	<b>Bartlett</b>	
۵۵	<b>Df</b>	
۰/۰۰۰۹	<b>P-Value</b>	
۰/۸۵۴	<b>KMO</b>	راهبرد (راهکار)
۳۷۹۲/۸۰۴	<b>Bartlett</b>	

1. KMO (Kaiser-Meyer-Olkin Measure of sampling Adequacy)

2. Bartlett's Test of sphericity

عدد آزمون تناسب کایزر مایر و آزمون بارتلت		سازه
۴۹۶	<i>Df</i>	راهبرد (راهکار)
۰/۰۰۰۹	<i>P-Value</i>	
۰/۹۳۸	<i>KMO</i>	نتایج ( پیامد)
۱۶۱۳/۰۶۶	<i>Bartlett</i>	
۱۰۵	<i>Df</i>	
۰/۰۰۰۹	<i>P-Value</i>	

جدول (۲) نشان می‌دهد، مقدار *KMO* (کفایت نمونه‌برداری) برابر ۰/۸۵۳، ۰/۸۶۱، ۰/۸۸۲، ۰/۸۵۴ و ۰/۹۳۸ برای هریک از شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبرد و پیامد و سطح معنی‌داری آزمون کرویت بارتلت برابر ۰/۰۰۰۹ است. بنابراین، علاوه بر کفایت نمونه‌برداری، اجرای تحلیل عاملی بر پایه ماتریس همبستگی مورد مطالعه نیز قابل توجیه خواهد بود. جدول (۳) نتایج مربوط به عوامل استخراج‌شده و درصد واریانس تبیین‌شده توسط ابعاد شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبرد و پیامد را نشان می‌دهد.

جدول ۳. عوامل استخراج‌شده و درصد واریانس تبیین‌شده توسط ابعاد مدل پارادایمی

مجموع توان دوم بارهای عاملی بعد از چرخش واریماکس			مجموع توان دوم بارهای عاملی استخراج‌شده			مقادیر ویژه اولیه			ابعاد
درصد از واریانس تجمعی	در صد از واریانس	کل	درصد از واریانس تجمعی	در صد از واریانس	کل	درصد از واریانس تجمعی	در صد از واریانس	کل	
۲۱/۱۵	۲۱/۱۵	۳/۳۸	۳۵/۲۷	۳۵/۲۷	۵/۶۴	۳۵/۲۷	۳۵/۲۷	۵/۶۴	تشدید تروریسم
۴۱/۰۰	۱۹/۸۴	۳/۱۷	۴۶/۱۷	۱۰/۹۰	۱/۷۴	۴۶/۱۷	۱۰/۹۰	۱/۷۴	تشدید فعالیت‌های جاسوسی
۵۶/۳۵	۱۵/۳۶	۲/۴۶	۵۶/۴۴	۱۰/۲۶	۱/۶۴	۵۶/۴۴	۱۰/۲۶	۱/۶۴	تشدید جنگ نیابتی
۲۳/۲۲	۲۳/۲۲	۳/۷۱	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۵/۳۹	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۵/۳۹	تشدید پان‌عربیسم
۴۲/۰۷	۱۸/۸۵	۲/۰۲	۴۸/۲۷	۱۴/۵۶	۲/۳۳	۴۸/۲۷	۱۴/۵۶	۲/۳۳	اتتلاف با اسرائیل

مجموع توان دوم بارهای عاملی بعد از چرخش واریمکس			مجموع توان دوم بارهای عاملی استخراج شده			مقادیر ویژه اولیه			ابعاد
درصد از واریانس تجمعی	در صد از واریانس	کل	درصد از واریانس تجمعی	در صد از واریانس	کل	درصد از واریانس تجمعی	در صد از واریانس	کل	
۵۹/۵۶	۱۷/۴۹	۲/۸۰	۵۹/۷۴	۱۱/۴۶	۱/۸۳	۵۹/۷۴	۱۱/۴۶	۱/۸۳	تشکیل ناتوی عربی
۲۵/۱۳	۲۵/۱۳	۲/۷۶	۳۲/۷۰	۳۲/۷۰	۳/۶۰	۳۲/۷۰	۳۲/۷۰	۳/۶۰	توسعه قرادادهای تسلیحاتی
۴۸/۲۷	۲۳/۱۴	۲/۵۵	۵۵/۳۸	۲۲/۶۸	۲/۴۹	۵۵/۳۸	۲۲/۶۸	۲/۴۹	شیعه هراسی
۶۸/۹۵	۲۰/۶۹	۲/۲۸	۶۸/۹۵	۱۳/۵۸	۱/۴۹	۶۸/۹۵	۱۳/۵۸	۱/۴۹	جنگ روانی وسیع
۱۴/۲۶	۱۴/۲۶	۴/۵۶	۲۴/۹۴	۲۴/۹۴	۷/۹۸	۲۴/۹۴	۲۴/۹۴	۷/۹۸	تنش زدایی با قطر
۲۶/۱۷	۱۱/۹۱	۳/۸۱	۳۳/۴۰	۸/۴۶	۲/۷۱	۳۳/۴۰	۸/۴۶	۲/۷۱	تلاش برای انزوای ایران
۳۷/۴۴	۱۱/۲۷	۳/۶۱	۴۱/۳۱	۷/۹۱	۲/۵۳	۴۱/۳۱	۷/۹۱	۲/۵۳	جلب رضایت عمان برای پیوستن به سعودی‌ها
۴۶/۳۸	۸/۹۴	۲/۸۶	۴۶/۳۸	۵/۰۸	۱/۶۲	۴۶/۳۸	۵/۰۸	۱/۶۲	تلاش برای نفوذ مجدد در عراق
۲۸/۳۰	۲۸/۳۰	۴/۲۴	۴۰/۰۷	۴۰/۰۷	۶/۰۱	۴۰/۰۷	۴۰/۰۷	۶/۰۱	تلاش برای تعمیق تحریم‌های ایران

برای بررسی مدل پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شده که نتایج در جدول

(۴) به شرح ذیل آمده است:

جدول ۴. تحلیل عاملی مرتبه دوم ابعاد تبیین‌کننده مدل پارادایمی پژوهش

نتایج	P-Value	مقادیر t	ضرایب استاندارد	ابعاد مدل راهبردی بن سلمان در قبال شیعیان و چالش‌های امنیتی شیعیان
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۷۱۵	۰/۵۹	تشدید تروریسم
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۸/۳۴۷	۰/۷۸	تشدید فعالیت‌های جاسوسی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۸/۲۲۴	۰/۷۵	تشدید جنگ نیابتی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۰۱۳	۰/۶۰	تشدید پان عربیسم
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۶۹۲	۰/۶۷	ائتلاف با رژیم صهیونیستی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۱۷۹	۰/۵۶	تشکیل ناتوی عربی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۵/۸۴۷	۰/۶۱	توسعه فرادادهای تسلیحاتی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۳/۸۲۰	۰/۳۹	شیعه‌هراسی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۳/۶۵۴	۰/۴۱	جنگ روانی وسیع
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۸۰۷	۰/۵۶	تنش‌زدایی با قطر
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۸/۸۶۶	۰/۷۷	تلاش برای انزوای ایران
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۹/۸۳۳	۰/۷۳	جلب رضایت عمان برای پیوستن به سعودی‌ها
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۷/۴۲۱	۰/۵۹	تلاش برای نفوذ مجدد در عراق
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۵/۸۴۶	۰/۶۱	تلاش برای تعمیق تحریم‌های ایران

باتوجه به اینکه نتایج (پیامد) دارای سه بعد است، بنابراین انجام تحلیل عاملی مرتبه سوم برای آن امکان‌پذیر نمی‌باشد. از دیگانه نمونه‌ها، ابعاد پانزده‌گانه مدل اکتشافی به‌عنوان سازه‌های مدل در تبیین مدل راهبردی محمد بن سلمان در قبال جبهه مقاومت، تأثیر معنی‌داری دارد. برای اولویت‌بندی ابعاد تبیین‌کننده مدل، باتوجه به ضرایب استاندارد تحلیل عاملی مرتبه دوم ملاحظه می‌شود که بعد تروریسم در اولویت اول و بعد تلاش برای تعمیق تحریم‌های ایران در اولویت نهایی قرار می‌گیرد.

**سؤال ویژه دوم:** تحلیل مسیر مدل راهبردی بن سلمان در قبال شیعیان چگونه است؟

برای بررسی سؤال دوم پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر در مدل پژوهش به بررسی روابط بین ابعاد مدل راهبردی بن سلمان در قبال شیعیان پرداخته شد. جدول (۵) تحلیل مسیر مدل پارادایمی پژوهش را در حالت ضرایب استاندارد نشان می‌دهد:



جدول ۵. تحلیل مسیر مدل پارادایمی پژوهش

مسیرها	ضرایب استاندارد	مقادیر <i>t</i>	<i>P-Value</i>	نتایج
شرایط علی بر مقوله اصلی	۰/۵۹	۵/۳۷۹	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مقوله اصلی بر راهبردها (راهکارها)	۰/۲۲	۳/۰۱۸	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
شرایط زمینه‌ای بر راهبردها (راهکارها)	۰/۵۷	۴/۰۱۸	۰/۰۱۶	معنی دار است.
شرایط مداخله‌ای بر راهبردها (راهکارها)	۰/۴۹	۳/۱۹۴	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
راهبردها (راهکارها) بر نتایج (پیامدها)	۰/۷۰	۴/۶۵۰	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.

سؤال ویژه سوم: اولویت‌بندی هریک از ابعاد مدل راهبردی بن‌سلمان درقبال شیعیان چگونه است؟

باتوجه به اینکه در بخش مربوط به تحلیل عاملی تأیید مرتبه دوم به اولویت‌بندی هریک از ابعاد تبیین‌کننده مدل راهبردی بن‌سلمان درقبال شیعیان پرداخته شد، در این بخش، بررسی اولویت‌ها با استفاده از آزمون فریدمن انجام گردید. بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به متغیر نتایج با میانگین رتبه ۴/۲۷، دومین اولویت مربوط به مقوله اصلی با میانگین رتبه ۴/۲۶، سومین اولویت مربوط به شرایط مداخله‌ای با میانگین رتبه ۳/۵۴، چهارمین اولویت مربوط به راهبرد با میانگین رتبه ۳/۳۹، پنجمین اولویت مربوط به شرایط زمینه‌ای با میانگین رتبه ۳/۰۱ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به مقوله علی با میانگین رتبه ۲/۵۳ بوده است. در شرایط علی، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد تشدید تروریسم با میانگین رتبه ۲/۱۶ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد تشدید جنگ نیابتی با میانگین رتبه ۱/۷۶ بوده است. در شرایط زمینه‌ای، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد تأکید بر پان‌عریسم با میانگین رتبه ۲/۲۸ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد ناتوی عربی با میانگین رتبه ۱/۶۹ بوده است. در شرایط مداخله‌ای، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد توسعه قراردادهای تسلیحاتی با میانگین رتبه ۲/۲۴ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد جنگ روانی وسیع با میانگین رتبه ۱/۶۲ بوده است. در راهبردها، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد بهبود روابط با قطر با میانگین رتبه ۲/۹۹ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد جلب رضایت عمان برای پیوستن به سعودی‌ها با میانگین رتبه ۱/۹۴ بوده است. در نتایج، بیشترین اولویت از لحاظ

عملکردی مربوط به بعد تشدید میلیتاریزم در خلیج فارس با میانگین رتبه ۱/۵۸ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد تشدید تقابل‌گرایی‌های وهابیسیم - شیعیسیم با میانگین رتبه ۱/۴۲ بوده است.

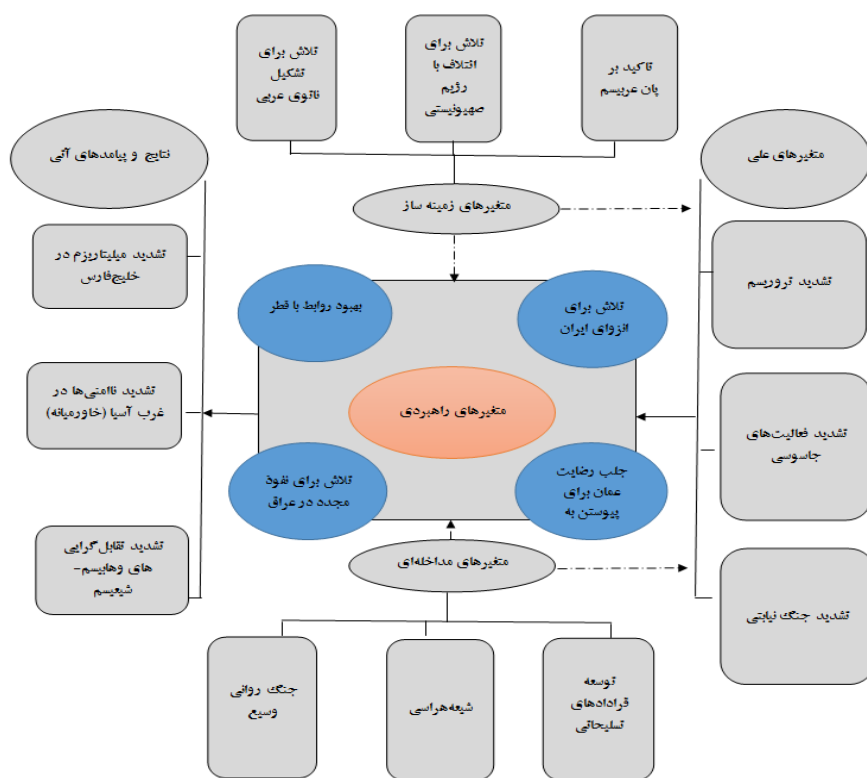
### نتیجه‌گیری و ارائه مدل پژوهش

مقاله حاضر در پی طراحی مدل راهبردی بن سلمان در قبال شیعیان بوده و با بهره‌گیری از روش‌های کیفی و کمی به سؤالات پژوهش پاسخ داده شد. طبق نتایج بخش کیفی، مدل پارادایمی پژوهش دارای شانزده بعد بوده و طبق نتایج بخش کمی، ابعاد تروریسم (ضریب مسیر ۰/۵۹، مقدار تی ۵/۳۷۹ و مقدار p-value ۰/۰۰۰۹)، تشدید فعالیت‌های جاسوسی (۰/۷۸، ۸/۳۴۷ و ۰/۰۰۰۹)، تشدید جنگ نیابتی (۰/۷۵، ۸/۲۲۴ و ۰/۰۰۰۹)، تأکید بر پان‌عریبسم (۰/۶، ۶/۰۱۳ و ۰/۰۰۰۹)، تلاش برای ائتلاف با رژیم صهیونیستی (۰/۶۷، ۶/۶۹۲ و ۰/۰۰۰۹)، تلاش برای تشکیل ناتوی عربی (۰/۵۶، ۶/۱۷۹ و ۰/۰۰۰۹)، توسعه قراردادهای تسلیحاتی (۰/۶۱، ۵/۸۴۷ و ۰/۰۰۰۹)، شیعه‌هراسی وسیع (۰/۳۹، ۳/۸۲ و ۰/۰۰۰۹)، جنگ روانی وسیع (۰/۴۱، ۳/۶۵۴ و ۰/۰۰۰۹)، بهبود روابط با قطر (۰/۵۶، ۶/۸۰۷ و ۰/۰۰۰۹)، تلاش برای انزوای ایران (۰/۷۷، ۸/۸۶۶ و ۰/۰۰۰۹)، جلب رضایت عمان برای پیوستن به سعودی‌ها (۰/۷۳، ۹/۸۳۳ و ۰/۰۰۰۹)، تلاش برای نفوذ مجدد در عراق (۰/۵۹، ۷/۴۲۱ و ۰/۰۰۰۹)، تشدید میلیتاریزم در خلیج فارس (۰/۵۶، ۸/۶۳۳ و ۰/۰۰۰۹)، تشدید ناامنی‌ها در غرب آسیا (۰/۵۱، ۸/۹۳۶ و ۰/۰۰۰۹)، تشدید تقابل‌گرایی‌های وهابیسیم - شیعیسیم (۰/۴۳، ۹/۲۶۳ و ۰/۰۰۰۹) تبیین‌کننده مدل راهبردی بن سلمان در قبال شیعیان می‌باشد.

نتایج یافته‌های مقاله حاضر در راستای تحقیق شهریاری (۱۳۹۶) قرار دارد که جنگ نیابتی عربستان سعودی و ایران با شکل‌گیری شبه‌نظامیان یمن و عراق و لبنان از یک سو و گروه‌های بنیادگرای اسلامی در منطقه تشدید یافته است. همچنین یافته‌های مقاله حاضر همسوی یافته‌های تحقیق بیات و اسلامی (۱۳۹۷) قرار دارد که تشدید چالش‌های ایدئولوژیک را عامل تعمیق چالش‌های بن‌سلمان و جمهوری اسلامی ایران می‌داند. مطابق یافته‌های پژوهش مقدم جاودانی و حریر فروش (۱۳۹۷) که افول هژمونی امریکا به‌ویژه در دوران اوباما و مسئله توازن قوا میان عربستان و ایران را عامل تشدید چالش میان دو کشور دانسته بود، یافته‌های مقاله نشان داد که احیای منافع

امریکا و خطر شیعیان منطقه یکی از دلایل مهم تشدید بحران در روابط دو کشور به‌ویژه در دوران ولایتعهدی بن‌سلمان بوده است. مطابق یافته‌های مقاله فروزان و عالیشاهی (۱۳۹۸) که معتقد بودند عمده دلایل واپس‌گرایی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران را می‌توان ذیل عواملی همچون توسعه قراردادهای سنگین نظامی و تسلیحاتی و میل‌تاریزه‌کردن غرب آسیا (خاورمیانه)، تلاش برای گسترش تروریسم در جغرافیای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نقش‌آفرینی اثرگذار ریاض در بحران سوریه، مواضع عمل‌گرایانه سعودی‌ها در بحران عراق، تجاوز نظامی سعودی‌ها علیه یمن و جنبش انصارالله و مواضع ریاض در قبال مسئله فلسطین و سرکوب شیعیان عربستان است. مقاله حاضر نیز نشان داد موارد مذکور نقش مؤثری در تشدید سیاست‌های بحران‌زای بن‌سلمان علیه ایران داشته است. یافته‌های مقاله غلامی و همکاران (۱۳۹۷) در راستای مقاله حاضر قرار دارد؛ چراکه مطابق یافته‌های مقاله کنونی، چالش‌های عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران به‌سبب گسترش تشیع و تقویت نفوذ ایران در خلیج فارس و در نتیجه در کل خاورمیانه است. به‌عبارتی دیگر، تقابل‌های ایران و عربستان در غرب آسیا بیشتر تحت تأثیر هویت شیعی و انقلابی و هویت سنی و وهابی دو کشور قرار دارد. همچنین مطابق یافته‌های مقاله پیشگاهی‌فرد و دیگران در مقاله‌ای (۱۳۹۹) یافته‌های مقاله حاضر نشان داد که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تعمیق چالش‌ها و تنش‌ها میان دو کشور مسائلی شامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، ژئوپلیتیک شیعه، دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای، رویکرد امنیتی دو کشور، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در روابط دو کشور می‌باشد. همچنین یافته‌های مقاله حاضر، نقش گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در منطقه و تأثیر مستقیم امریکا نقش مهمی در واگرایی روابط دو کشور داشته است که این مسئله یافته‌های مقاله کنونی را مطابق یافته‌های مقاله حسینی (۱۳۹۸) قرار داده است. یافته‌های مقاله اختیاری امیری (۱۳۹۴) نشان داد چالش‌های هویتی یکی از دلایل اصلی ریشه‌های بحران در روابط ایران و عربستان سعودی بوده است که این مسئله در همسویی با مقاله حاضر قرار دارد. همچنین مطابق یافته‌های مقاله سریولی (۲۰۱۸) جنگ نیابتی دو کشور ایران و عربستان در خصوص کشورهای یمن و بحرین به‌وضوح دیده می‌شود. یافته‌های مقاله حاضر نیز بر مسئله جنگ نیابتی دو کشور در کشورهای هم‌چون عراق و سوریه و یمن بر این مسئله صحنه می‌گذارد. یافته‌های مقاله هیرو (۲۰۱۹) نیز مطابق یافته‌های مقاله کنونی نشان‌دهنده این

مسئله است که جنگ اقتصادی سعودی‌ها علیه ایران در مسائلی همچون شوک نفتی و تشدید تحریم‌ها علیه ایران یکی از دلایل مهم دو کشور بوده است. مطابق یافته‌های مقاله مابون (۲۰۱۸) یافته‌های مقاله کنونی نیز نشان داد که خطر شبه‌نظامیان شیعه در منطقه همچون حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، انصار الله یمن و ... برای سعودی‌ها ادامه‌دار باشد، بسط روابط امنیتی و نظامی میان آمریکا و عربستان سعودی نیز ادامه‌دار خواهد بود و این مسئله خاورمیانه را به‌مثابه انبار باروتی خواهد نمود که هر لحظه در آستانه انفجار قرار دارد. درنهایت یافته‌های مقاله حاضر همسو و هم‌راستا با یافته‌های مقاله پاده (۲۰۱۸) قرار دارد که معتقد بود که یکی از سیاست‌های بن‌سلمان در تشدید چالش‌ها با شیعیان منطقه بسط روابط امنیتی و نظامی با رژیم صهیونیستی بوده است. درنهایت نیز مدل پارادایمی حاصل از تحلیل کیفی به‌صورت زیر نمایش داده می‌شود:



شکل ۲. مدل راهبردی بن‌سلمان درقبال شیعیان و چالش‌های امنیتی - دفاعی جبهه مقاومت در دوران پست‌ترامپ  
منبع: (نویسندگان مقاله)

براساس هدف مقاله که طراحی مدل راهبردی بن سلمان در قبال شیعیان می‌باشد و همچنین براساس شاخص‌ها و میزان اهمیت و تکرارپذیر آنان از که منتج از پاسخ به پرسشنامه و تحلیل ازسوی نخبگان علمی و دانشگاهی صورت گرفته است که شکل مدل طراحی شده به صورت ذیل ارائه می‌شود. به‌دیگر سخن، به تعبیر نویسندگان، باتوجه به حضور محمد بن سلمان در قدرت به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلایل ظهور مجدد و تشدید فعالیت‌های تروریست‌ها در منطقه مبتنی بر چهار متغیر کلان باشد. این چهار متغیر کلان به ترتیب عبارتند از: متغیرهای علی، متغیرهای زمینه‌ساز، متغیرهای راهبردی و متغیرهای مداخله‌ای.

**متغیرهای علی:** منظور از متغیرهای علی، متغیرهایی است که بسترساز تشدید چالش‌ها و تعمیق بحران‌ها (باتأکید بر رویکردهای بن سلمان در قبال شیعیان) می‌باشند. در این رابطه نویسندگان، بر سه عامل مهم تشدید تروریسم، تشدید فعالیت‌های جاسوسی و تشدید جنگ نیابتی تأکید دارند. در این میان، تشدید تروریسم، به‌مثابه متغیری خطرناک علیه ائتلاف جبهه شیعیان تلقی می‌شود. مسئله‌ای که در عراق و سوریه به‌ویژه گروه‌های شیعی حامی ایران و مخالف ایران بارها و بارها به جبهه مقاومت آسیب‌های جدی وارد نمود.

**متغیرهای زمینه‌ساز:** منظور از متغیرهای زمینه‌ساز، مؤلفه‌هایی‌اند که زمینه‌سازان اتخاذ و اجرای سیاست‌های چالش‌برانگیز بن سلمان علیه جبهه مقاومت شیعیان می‌باشند. به عقیده نویسندگان، در این رابطه می‌توان از سه متغیر اصلی و اثرگذار تلاش برای ائتلاف با رژیم صهیونیستی، تلاش برای تشکیل ناتوی عربی و تأکید بر پان‌عربیسم نام برد. منظور از متغیر نخست، شرایط دولت عربستان سعودی پس از شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری و ازدست‌دادن یکی از قدرتمندترین متحد عربستان سعودی می‌باشد. در خصوص متغیر دوم، باید از قدرت روزافزون جبهه مقاومت شیعیان در ابعاد نظامی در منطقه و شکست در سیاست تغییر رژیم در عراق و سوریه و ائتلاف قدرتمند شیعیان منطقه با جمهوری اسلامی ایران نام برد. در خصوص متغیر سوم، باید خاطر نشان کرد که یکی از رویکردهای مهم بن سلمان، پررنگ‌نمودن ناسیونالیسم عرب به‌ویژه در کشورهای همچون عراق، لبنان، سوریه بوده است تا با این استفاده از این رویکرد بتواند متحدین شیعه و عرب جمهوری اسلامی ایران را از ائتلاف قدرتمند با یکدیگر باز دارد. اوج چنین سیاستی ازسوی بن سلمان دیدار وی با مقتدی صدر رهبر جنبش صدر عراق بوده است.

متغیرهای مداخله‌ای: منظور از متغیرهای مداخله‌ای، رویکردها و سیاست‌هایی است که تعمیق چالش‌ها علیه شیعیان را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، این متغیر، نقش محرک در تحقق اهداف بن سلمان علیه شیعیان را ایفا می‌کند. در این رابطه، نویسندگان قائل به سه نوع متغیرهای مداخله‌ای اصلی می‌باشند: نخست؛ جنگ روانی وسیع، دوم؛ شیعه‌هراسی و درنهایت توسعه قراردادهای تسلیحاتی.

متغیرهای راهبردی: مقصود از متغیرهای راهبردی، مهم‌ترین راهبردهای محتمل منطقه‌ای بن سلمان علیه ایران و جبهه مقاومت می‌باشد. در این راستا، نویسندگان بر چهار متغیر مهم تلاش برای انزوای ایران، بهبود روابط با قطر، جلب رضایت عمان برای پیوستن به سعودی‌ها و تلاش برای نفوذ مجدد در عراق تأکید دارند.

## فهرست منابع

## منابع فارسی:

۱. آدمی، علی و بهادرخانی، محمدرضا (۱۳۹۷)، الگوی رفتاری عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: بحران یمن)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره هفتم، ش ۴: ۱-۲۳.
۲. احمدیان، حسن (۱۳۹۹)، گذار عربستان از دولت وهابی به وهابیت دولتی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره نهم، ش ۳۳: ۷-۳۲.
۳. اختیاری امیری، رضا و دهرویه، عباس (۱۳۹۷)، تبیین توسعه نامتقارن سیاسی-اقتصادی عربستان در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰، فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، ش ۳۸: ۲۲۹-۲۵۸.
۴. اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۴)، تأثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، دوره دوم، ش ۶: ۱۲۵-۱۴۹.
۵. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۹)، شکاف سنت و مدرنیسم و ثبات سیاسی در عربستان سعودی، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره یازدهم، ش ۳۷: ۱-۲۶.
۶. امیری‌مقدم، رضا؛ امینی، سیدجواد؛ نوروزی، محسن و فیاضی، داود (۱۳۹۸)، سناریوهای تهدیدات امنیتی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، فصلنامه امنیت ملی، دوره نهم، ش ۲: ۲۳-۴۹.
۷. بهرامی‌مقدم، سیدسجاد (۱۳۹۷)، همکاری و تعارض منافع ایالات متحده آمریکا-عربستان در خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره هفتم، ش ۲۶: ۲۷۵-۳۰۰.
۸. بیات، جلیل و اسلامی، محسن (۱۳۹۷)، ایران-عربستان؛ طرح الگوی تنش‌زدایی با محوریت مناقشات منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره هشتم، ش ۲۸: ۱۶۷-۱۸۵.
۹. پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ موسوی شهیدی، سیدمهدی؛ زارعی، بهادر؛ بدیعی ازنده‌ای، مرجان و واثق، محمود (۱۳۹۹)، چرخش روابط ایران و عربستان در دو بعد تعامل و تقابل ژئوپلیتیکی و زمینه‌های شکل‌گیری آنها، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره پنجاه و دوم، ش ۴: ۱-۲۵.
۱۰. جوادانی‌مقدم، مهدی و حریرفروش، حامد (۱۳۹۷)، واکاوی زمینه‌ها و ابعاد سیاست خارجی نوین عربستان در خاورمیانه، فصلنامه سپهر سیاست، دوره پنجم، ش ۱۵: ۵۱-۷۴.
۱۱. حاجی‌زاده، سیروس و حسنلو، خسرو (۱۳۹۹)، رهیافت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در تریبات امنیتی منطقه، فصلنامه سیاست دفاعی دوره بیست‌ونهم، شماره ۱۱۳: ۱۱۳-۱۵۳.
۱۲. حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۸)، تعینات ساختاری در روابط ایران و عربستان؛ از دکترین دوستونی تا پس از بهار عربی، فصلنامه پژوهشنامه حج و زیارت، دوره چهارم، ش ۲: ۱۲۳-۱۴۸.
۱۳. دوست‌محمدی، احمد و رجیبی، محمد (۱۳۹۷)، عربستان سعودی و تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه

سیاست، دوره چهل و هشتم، ش ۴: ۹۴۵-۹۶۰.

۱۴. شهریار، محمدعلی (۱۳۹۶)، تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره بیست و چهارم، ش ۹۲: ۲۹۷-۳۱۰.
۱۵. غلامی، میثم؛ ابطحی، سیدمصطفی؛ طاهری، ابوالقاسم و کاظمی‌وند، علی‌اصغر (۱۳۹۷)، تبیین تقابل جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن از چشم‌انداز امنیت هویت محور، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره هشتم، ش ۲۸: ۹۷-۱۱۷.
۱۶. فروزان، یونس؛ عالیشاهی، عبدالرضا و مسعودنیا، حسین (۱۳۹۹)، سیاست‌های ترامپ در قبال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پسابرجام؛ پیامدهای امنیتی قراردادن نام سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی، دوره نهم، ش ۳۳: ۳۷-۶۴.
۱۷. مسعودنیا، حسین؛ فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۷)، جابه‌جایی قدرت در عربستان سعودی: تأثیرات تغییر ولا یتهدی بر ساختار سیاست خارجی عربستان سعودی، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره هشتم، ش ۴۷: ۱۳۷-۱۷۲.

#### منابع انگلیسی:

18. Beardsley, Kyle; Liu, Howard; Mucha, Peter; Siegel, David and Tellez, Juan. (2020). Hierarchy and the Provision of Order in International Politics, *The Journal of Politics*, 82(2): 112-132.
19. Cerioli, Luiza Gimenez. (2018). Roles and International Behaviour: Saudi-Iranian Rivalry in Bahrain's & Yemen's Arab Spring, *Journal of Contexto Internacional*, 40(2): 295- 317.
20. Hiro, Dilip. (2019). *Cold War in the Islamic World: Saudi Arabia, Iran and the Struggle for Supremacy*, Oxford: Oxford University Press.
21. Hope, Bradley & Scheck, Justin. (2020). *Blood and Oil: Mohammed bin Salman's Ruthless Quest for Global Power*, NewYork: Hachette Books.
22. Hubbard, Ben. (2020). *MBS: The Rise to Power of Mohammed bin Salman*, NewYork: Tim Duggan Books.
23. Mabon, Simon. (2018). Muting the trumpets of sabotage: Saudi Arabia, the US and the quest to securitize Iran, *British Journal of Middle Eastern Studies*, 45(5): 742-759.
24. Podeh, Elih. (2018). Saudi Arabia & Israel: From Secret to Public Engagement, *Middle East Journal*, 72(4): 563-586.